

نقش برنامه‌های آموزشی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه‌ها در پیشرفت و توسعه جامعه ایران

مقصود فراستخواه

کیفیت و کارآمدی و تأثیر علوم انسانی دانشگاه‌ها محل مناقشه قرار گرفته است. انتقادهایی وجود دارد که علوم انسانی به رغم رشد و گسترش کمی در طی چند دهه گذشته خصوصاً در بعد از انقلاب اسلامی، و با وجود انبوهی از انواع رشته‌ها و دوره‌ها نتوانسته است در حل مسائل بومی و توسعه ملی چندان گره گشا و اثر بخش باشد. اینجا و آنجا به طور صریح یا ضمنی اظهارها و استندهایی می‌شود مبنی بر اینکه برنامه‌های آموزشی و تحقیقات علوم انسانی با وجود صرف هزینه‌های هنگفت؛ عملاً از ارائه راهکارها و شیوه‌های مؤثر کاربردی برای رفع مشکلات ذهنی و روحی و اخلاقی و اقسام مختلف نابسامانی‌های اجتماعی عاجز مانده‌اند. افزایش دانش آموختگان و مدارک تحصیلی و کتب و مقالات و پژوهش‌های علوم انسانی در عمل به رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی و گره‌گشایی از معضلات موجود کشور در ابعاد مختلف نینجامیده است.

صورت‌بندی‌های مختلفی از این دعاوی به عمل می‌آید: ۱. برخی علت‌العلل این وضعیت را در منشأ و ماهیت و تبار غربی این علوم و ۲. بعضی در مدل انتقال آن به جامعه ایرانی (مثل عارضی بودن، وارداتی بودن، ترجمه‌ای بودن و....) می‌جویند. ۳. دیگرانی به زمینه‌کاوی یا تحلیل نهاد دانشگاه ایرانی منصرف شده‌اند که حامل و حاوی و عرضه‌کننده این علوم در کشور بودند یا ۴. ساختار برنامه‌های آموزشی و درسی علوم انسانی در آموزش عالی و دانشگاه‌ها را از منظر کم و کیف نیازسنجی و طراحی و تنظیم این برنامه‌ها مطمح نظر قرار داده‌اند یا ۵. به نحوه اجرا مانند کیفیت استادان، روش تدریس، کیفیت تعریف و راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و مانند آن توجه کرده‌اند یا ۶. مشکل را در مدل‌های ارزشیابی و اعتبارسنجی جستجو کرده‌اند. از سوی دیگر دفاعیه‌هایی نیز از علوم انسانی به وجود آمده است که به نحوی از انحاء عمده مشکلات را در بیرون از این علوم و دانشگاه‌ها؛ به علل و عوامل سیاسی، ساختاری و سیستمی و نهادی و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی نسبت و ارجاع می‌دهند.

اما از یک طرف اصل موضوع مناقشه همچنان در هاله ابهام پیچ و تاب می‌خورد و به نظر می‌رسد بیش از اینکه مستند به شواهد و استدلال‌های کافی باشد از فرض‌های نیازموده‌ای بر می‌خیزد و نیاز به بررسی و آزمون روشمندی دارد. از طرف دیگر انواع الگوهای توصیف و تحلیل در دو سو که به شمه‌ای از آنها در بالا اشاره شد دعاوی ناتمامی هستند و اضلاع و ابعاد آنها مورد مذاقه لازم و تحلیل و راستی‌آزمایی روشمند قرار نگرفته است. به طور کلی می‌توان گفت این موضوع غالباً ساده‌سازی شده است و چه بسا تحویل‌گرایی اجازه نداده است که همه ابعاد این معضل پیچیده دیده بشود و مورد

تجزیه و تحلیل عمیق قرار بگیرد. در تحقیق حاضر ضمن مرور و بررسی این مناقشه در مقیاس جهانی ، وضعیت پیچیدگی های ایرانی این مسئله با روش کیفی واکتشافی مطالعه می شود تا بتوان به فهم عمیق و راه حل های کارآمدی برای برون رفت از این وضعیت متناسب با اینجا و اکنون دست یافت.